

امر به معرف یواشکی "انصار الله"

آذر مدرسی

اگر ملاک تشخیص اوضاع ایران را ادعاهای سران رژیم و میدیای رسمی آن قرار بدهیم، جمهوری اسلامی امروز در منطقه "مایه ثبات و امنیت" است، امریکا را "شکست" داده است و در داخل ایران هم علیرغم تحریمها، علیرغم نفرت میلیونی از حاکمیت، علیرغم وضعیت نابسامان اقتصادی و فقر و فلاکتی که در جامعه موج میزند، "با اقتدار تمام" حاکمیت میکند، گشت انصار برای تحمیل حجاب اجباری به خیابانها، متروها، مجالس و ... میداننداری میکند، هر صدای مخالفی را خفه میکنند، دستگیر میکنند و دادگاهها "بدون کمترین مجابا" احکام شلاق و زندان را علیه زندانیان سیاسی صادر میکنند، ... و "جامعه حال بدی دارد اما مردم حالشان خوب است". اگر تبلیغات و ادعاهایشان را ملاک قرار بدهیم جمهوری اسلامی وارد دور دیگری از "اقتدار داخلی و خارجی"، را شروع کرده است.

اما کافی است کمی از این معرکه گیری فاصله گرفت و این ظاهر "مقتدر" و "جمهوری اسلامی حالش خوب است" را خراش داد تا وضع خراب جمهوری اسلامی، بن بست اقتصادی-سیاسی، شکست ایدئولوژیک آن، ناتوانی اش در حاکمیت کردن، هراس هر روزه شان از انفجار بشکه باروتی که بر آن نشسته اند و برپاد رفتن همه "اقتدار" شان را دید! کافی است گوش را به زمین چسباند تا لرزه های اولیه زمین لرزه ای عظیم و اجتماعی را شنید! زمین لرزه ای که بنیادهای سیاسی-اقتصادی حاکمیت را نابود میکند. زمین لرزه ای که حاکمان در قدرت، خود را برای نه مقابله که فرار و جان سالم دربرد از آن خود را آماده میکنند و همه محکومین، در انتظار آن روزشماری میکنند!

"حال بد" جمهوری اسلامی را باید از اظهارات جویبانه یکی از شوروترین و کثیف ترین عناصر اسلامی، یعنی جناب "الله کرم"، دبیر شورای هماهنگی حزب الله، شنید:

الله کرم: "هر کسی معتقد به امر به معروف و نهی از منکر لسانی در قالب "تذکر، عبور و ترک کردن سریع منطقه، پرهیز از هر گونه درگیری و تماس غیرلسانی و منتظر نتیجه نماندن" باشد؛ همان نیروی حزب الله خواهد بود!"

"علما معتقدند در این نوع منکر باید تذکر دهیم و عبور کنیم و منتظر حصول نتیجه نباشیم بنابراین تلاش می شود با موضوع منکر به هیچ وجه تماس یا حتی درگیری لفظی صورت نگیرد!"

اختراع "عالمانه" چنین سوراخ موش و گریزگاهی، میتواند تنها از دستگاه فکری "علمای اسلامی" صاعد شود!

این اعتراف فلان پادو درجه صدم "نظام" به هراس از

فقر و گرسنگی واقعی پذیرفته شده نیست!

مظفر محمدی



معیشت طبقه کارگر و زحمتکشان تهاجمی سیستماتیک سازمان دهد. به اعتصابات و تظاهرات کارگری با نیروهای ویژه و دستگاه های اطلاعاتی حمله کند و کارگران آگاه و مبارز را مورد تعقیب و پیگرد قرار دهد.

حل بحران کنونی نظام سرمایه داری بشیوه مسالمت آمیز و از طریق فرمهای اقتصادی برای بورژوازی مقدور نیست. بورژوازی خود هم هیچگونه توهمی نسبت به امکان عملی تخفیف بحران از طریق مسالمت آمیز ندارد و سرکوب شدید مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران و زحمتکشان و رسمیت بخشیدن به سطح موجود فقر و فلاکت و تشدید آن را تنها راه ادامه حیات خود مینماید.

اداره اقتصاد بر گرده طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه افتاده است.

حتی زمانی که انباشت سرمایه با صدور بیش از دو میلیون بشکه نفت در روز به قیمت بشکه ای ۹۰ و ۱۰۰ دلار، وجود داشت، هنوز طبقه کارگر و اکثریت محرومان جامعه زیر خط فقر زندگی می کرد. سرمایه داری در شرایط معمول و "غیر بحرانی" خود نیز بر استثمار شدید و عریان و تحمیل شرایط معیشتی فلاکتبار بر توده های وسیع کارگر و زحمتکش استوار است.

رژیم سرمایه داران در ایران همواره کوشیده است تا به فقر توده ها به مثابه واقعیتهای "طبیعی"، "معارف" و "پذیرفته شده" رسمیت بدهد. مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را مشروعیت ابدی ببخشد. به سطح

بحران اقتصادی سرمایه داری ایران و عوارض آن از قبیل بیکاری میلیونی کارگران و زحمتکشان، کاهش شدید سطح معیشت مردم، فلاکت رشد یابنده توده های وسیع زحمتکش، تورم شدید...، نه تنها چشم انداز فروکش ندارد بلکه بطرز فزاینده ای مدام تشدید می شود.

بحران موجود برخلاف تبلیغات ضدکارگری و ضد مردمی رژیم صرفا زاینده ی تحریم های اقتصادی نیست، بلکه دلایل متعدد از قبیل رانت خواری، فساد و اختلاس و تمرکز و تصرف داراییهای جامعه در نگاه هایی چون بیت رهبری، سپاه پاسداران و مراکز مذهبی، مخارج نیروهای وابسته و نیابتی در منطقه، ورشکستگی بخشهایی از صنایع و غیره است و بار سنگین این نوع

مردم کردستان و پیام آشتی اوجلان به دولت ترکیه



نرمنش "قهرمانانه" حمید تقوایی

فواد عبداللهی

فعال مدنی و هنری و زنان، که بخشی از آنها نقشی در حاکمیت نداشته اند، تنها چاشنی این بیانیه ها است.

۱- این تلاقی جدید، رعد در آسمان بی ابر نیست؛ اوضاع سیاسی امروز در ایران گواه اینست که کل بورژوازی ایران چه در اپوزیسیون و چه در پوزیسیون، بعد از خیزش های دیمه ۹۶ و به دنبال آن، عروج آلترناتیو شورایی طبقه کارگر، در صدد راهی برای مهار آنند. در حالیکه حاکمین شمشیرشان را برای فعالین شوراهای تیز میکنند و باندهای ناراضی درون حکومت هر لحظه خطر پایین را گوشزد میکنند و هر روز بیانیه پشت بیانیه صادر میکنند، امثال حمید تقوایی هم با روغن و نعنای داغ دادن روی "بیانیه ۱۴ نفر"، این ماجرا را به ادامه خیزشهای دیمه ۹۶ سنجاق میکنند تا پشت یک باند ناراضی درون

ظرفیت هایی است که برای دخالت در آینده ایران در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی در حال مهندسی است؛ "راهکاری" که یک سر آن روی میز کار آقای رئیس جمهور روحانی، سر دیگر آن در دفتر آقای پهلوی، سر دیگر آن در "مرکز همکاری احزاب شرق کردستان" و صد البته در حمایت بی دریغ حزب "بی بی سی" است. معجزاتی که فقط و فقط برای این درست شده که ناتوانی و زبونی جمهوری اسلامی در مقابل اعمال اراده مستقیم مردم جهت دخالت در سرنوشت شان را جبران کند و فورا تا قبل از به میدان آمدن مدعیان دیگر، قال قضیه را بکند! انگاری دوباره دستانی پشت پرده سیاست می خواهند ماجرای دیده شدن عکس "امام" در ماه را زنده کنند؛ البته این بار نه در ماه بلکه درست وسط ناف تهران! در این بازار مکاره حضور چهره های "اصلاح طلب"

حمید تقوایی اخیرا با ستایش از "بیانیه ۱۴ نفر" برای بار چندم اثبات کرد که استفاده ایشان و جناحش در حزب کمونیست کارگری ایران از فرصت ها، البته اگر فرصت زیادی باقی مانده باشد، دست هر فرصت طلبی را در میدان سیاست از پشت می بندد.

هنوز جوهر دنباله روی جریان ایشان از کمپین اتمی و تحریم اقتصادی، هخا، الاحواز، "پاشاسین آذربایجان"، ائتلاف با جنبش سبز و کشتی نگرفتن با موسوی و کروبی و نهایتا حمایت شان از دخالت های بشر دوستانه ناتو در سوریه و لیبی خشک نشده بود که به یک نقطه تلاقی جدید با باندهای "اصلاح طلب" ناراضی و ناسیونالیست های کرد سرگردان در "مرکز همکاری احزاب شرق کردستان" رسیده اند. خاصیت "جادویی" اینگونه تلاقی ها و بیانیه ها نه از امکان یا عدم امکان اجرا شدن مفاد آنها، بلکه در

مردم کردستان و پیام آشتی اوجلان به دولت ترکیه

عبدالله اوجلان بعد از هشت سال ممنوع الملاقات بودن، سرانجام در ماه مه وکلای خود را دیدار کرد. او در ۱۷ مرداد ماه، از کانال وکلایش پیام آمادگی خود و سازمان تحت رهبری اش پ ک ک، برای آشتی با دولت اردوغان را اعلام کرد.

همزمان با این اقدام تعدادی از شخصیت های ناسیونالیست کرد در ایران نیز طی نامه ای سرگشاده به اردوغان از او درخواست کردند که به جنگ با "کردها" پایان و عبدالله اوجلان را آزاد کند. تا کنون مراد قریلان از رهبران پ ک ک اعلام کرده است: "پ ک ک از دستورات اوجلان پیروی میکنند، اوجلان نماینده ما است".

در بیانیه ای که از زبان اوجلان نقل شده، آمده است: "تلاش من این است که فضایی برای کردها بازکنم. بیایید مشکل کردستان را حل کنیم. ظرف یک هفته می‌توانم وضعیت و احتمال درگیری را از میان بردارم. من میتوانم مسئله را حل کنم، به خود کاملاً اطمینان دارم و برای رسیدن به یک راه حل آماده ام. ولی حکومت باید کارهایی را که ضروری است انجام دهد. ... کردهای ترکیه به یک دولت مستقل در چارچوب فعلی کشور ترکیه و مناسبات تاریخی ترک‌ها و کردها نیازی ندارند".

برخی از رسانه ها به نقل از پیام اوجلان اشاره دارند که او از پ ک ک خواسته است که "کنگره خلع سلاح بگذارند و یک تصمیم تاریخی بگیرند".

این اولین بار نیست که پ ک ک و رهبر در بند آن برای پایان دادن به جنگ با دولت ترکیه اعلام آمادگی میکنند. این حزب در چند مورد و از جمله در سال ۲۰۱۳ بطور یک جانبه و برای نشان دادن حسن نیت خود به دولت اردوغان "اعلام آتش" بس کرد.

پیام یک جانبه رهبری پ ک ک در شرایطی اعلام میشود که دولت فاشیست اردوغان تعرضی وسیع به نیروهای پ ک ک در ترکیه، عراق و سوریه را سازمان داده است. همزمان بن بست احزاب ناسیونالیست کرد، کم شدن شکاف دولت های منطقه و محدود شدن میدان مانور پ ک ک، برای رهبری این سازمان راهی جز "تسلیم" بی قید و شرط، باقی نگذاشته است.

"پیام آشتی" و "آتش بس" و "تلاش برای ایجاد فضا برای کردها" و "حل مشکل کردستان"، که در پیام اوجلان بعنوان هدف اعلام شده است، در شرایطی که این بیانیه صادر شده است، فاقد کمترین محتوایی است.

از نقطه نظر منافع مردم کرد زبان در ترکیه، که تاریخاً زیر فشار دولت های فاشیستی ترک در این کشور، بطور

"ترمش قهرمانانه"

حکومتی بر علیه جناح خامنه ای پنهان شود. مرحبا به این ذکاوت!

این موضع تازه ای نیست؛ همیشه کار احزاب و جریاناتی که در نیمکت ذخیره بورژوازی جا خوش کرده اند، همین بوده است. برای نمونه در دوره انقلاب ۵۷، جریان خمینی مردم را به تاسوعا و عاشورا در خیابان فرا خواند (همان خیابانی که آقای تقوایی سنگ رادیکال بودن آن را به سینه میزند) تا بند خود را بر گردن جنبش اعتراضی علیه حکومت شاه محکم کند و چهره اجتماعی از اسلام به خورد جامعه دهد. تقریباً همه جریانات چه در اندوره، همین موضع سیاسی امروز آقای تقوایی را اتخاذ کردند. نه تنها به مردم هشدار ندادند که خمینی ضدانقلاب است و برای سرکوب انقلاب ساخته پرداخته شده است، بلکه فکر میکردند با پرچم "همه با هم" و "برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق" و "زنده باد انقلاب توده ها" مهر خود را بر انقلاب خواهند کوبید. این چه فکر میکرد که روی دوش خمینی میتوان "سوسیالیسم" و جنبش مترقی ساخت. اما این میسر نشد؛ معلوم شد روی دوش ارتجاع تنها ارتجاع "می شکند". آقای تقوایی هم نمیتواند پشت سنگر ضدیت با خامنه ای، روی دوش باندهای ناراضی درون حکومتی "سوسیالیسم" را متحقق کند.

رابطه چه ۵۷ با جنبش ملی - اسلامی نزدیکتر از این حرفها بود. ماحصل آن رابطه به حزب توده و اکثریت تبدیل شد. امروز، حمید تقوایی عزمش را جزم کرده که جای آن چه را به امید استحاله جمهوری اسلامی به جمهوری ایرانی بگیرد؛ به همان اندازه که مشکل رضا پهلوی "حکومت ایدئولوژیک" است، به همان اندازه نیز مشکل تقوایی جمهوری اسلامی با پیشوند خامنه ای است؛ به نظر میرسد که تقوایی و یارانش در آغاز راهی باشند که حزب توده به پایان رساند.

۲- واقعیت این است که اولاً، عقب نشینی آمریکا و شکست پروپاگاندا "دخالته نظامی" اش در ایران، صفوف اپوزیسیون راست و چه بورژوازی ایران را نیز همراه با خود دچار تشتت و بحران کرد؛ از مدل جا افتاده آن مثل آقای پهلوی تا مدل مافیایی آن چون سازمان مجاهد، از مدل فرصت طلب اکثریت - توده تا احزاب ناسیونالیست کرد در ایران و تا حزب کمونیست کارگری که دنباله رو کمپین اتمی و تحریم اقتصادی بود، تمام امید خود برای سرنگونی رژیم و گرفتن سهمی از قدرت را به دخالت آمریکا و دخالت ارتجعی ترین نیروهای سرمایه در جهان گره زده بودند. تحریم اقتصادی ایران برای همگی شان مرحله ای در راستای اهداف استراتژیک آنها، یعنی سرنگونی رژیم بود. جمهوری اسلامی با هر پرچم و هر نیرویی سرنگون شود، به شرطی که با دخالت متشکل و متحد مردم از پایین

نباشد، دریچه ای برای ورود همه آنها جهت نیل به پیروزی تعریف میشد.

ثانیاً، عروج آلترناتیو شورایی طبقه کارگر در ادامه خیزشهای دیمه ۹۶، عملاً میخی بر تابوت ماهیت سیاسی - اجتماعی اپوزیسیون بورژوازی کوبید؛ این اپوزیسیون نهایتاً، راهی جز دست بدست شدن قدرت از بالا در اشکال کودتا یا "انقلابات مخملی" با تکیه بر جناح های ناراضی درون حاکمیت نیافت؛ به این اعتبار، هدف امروز همه آنها مشترک است؛ سناریوی "عبور مسالمت آمیز" که "بیانیه ۱۴ نفر" به آن اشاره میکند روی دیگر سکه انقلابات نارنجی در بلوک شرق است. قرار است پس از رفتن خامنه ای و تحویل دادن زندان و پلیس و ارتش و بخش سپاه و اطلاعات به بخش "غیر ایدئولوژیک" رژیم، بحران حاکمیت بورژوازی در ایران را روتوش کنند! این تحرک اما در دنیای واقعی، در مقابل حرکت و جنبشی است که در جامعه جریان دارد؛ در مقابل سازمانیابی از پایین است و تمام تلاش حکومت در دستگیری و زندان و سرکوب فعالین این جنبش، مقابله با آن است!

در نتیجه، کلاه "بیانیه ۱۴ نفر" بیش از آن گشاد است که بر سر جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش معلمان و بازنشستگان و دانشجویان و بیکاران برود. از این نمذ برای سازمان دادن جنبشی برای دست بدست شدن قدرت از بالای سر مردم، کلاهی ساخته خواهد شد.

۳- در روند عروج آلترناتیو شورایی طبقه کارگر، در پروسه به حاشیه راندن اپوزیسیون راست و آلترناتیوهای آن توسط کمونیستها، حمید تقوایی و جناحش مسیر سازش با جناح راست خود را انتخاب کرده اند؛ منفعت جنبش ایشان اقتضا میکند که "اپوزیسیون اپوزیسیون" نباشد؛ دفاع از "بیانیه ۱۴ نفر"، بهانه ای برای یافتن متحدین دست راستی "جدید" است. متحدینی که با خیزش های دیمه و عروج بلاواسطه آلترناتیو طبقه کارگر به حاشیه جامعه رانده شده اند. هدف تقوایی کماکان قالب کردن سیاست "همه با هم" تا سرنگونی جمهوری اسلامی "آنهم تحت نام کارگر و کمونیسم به جبهه متحد "سرنگونی طلبان" است.

ایشان بطور قطع متوهم نیست. فریب هم نخورده است. گمراه هم نشده است. جنبش واقعی آقای تقوایی، انقلاب ایشان، کمونیسم ایشان و راه روشن آنها همین است که خود به زبان خود بلند بلند میگویند. اما هر نیروی مدعی کمونیسم را نمیشود همان کمونیسم مارکس و حکمت نام نهاد؛ اگر اینگونه بود بخشی از مانیفست کمونیست به توضیح و نقد این نوع کمونیسم ها اختصاص پیدا نمیکرد. اگر اینگونه بود بخش زیادی از آثار حکمت به نقد کمونیسم بورژوازی معاصر اختصاص نمی یافت و کمونیسم کارگری



زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

فقر و گرسنگی

جمهوری اسلامی با مفسدین و اختلاس چی هایشان در همه ی پست ها از بیت رهبری و سپاه تا هر سه قوه مقننه و قضاییه و مجریه در مقابل فلاکت جامعه نظاره گر اند. سخنگویان سرمایه داران ایران در قالب دولت و مجلس و آیت الله هه به مردم می گویند کم بخورید. روزی یک وعده غذا بخورید. عقل معاش داشته باشید. خرج یک روز را ده روزه بخورید. و این یعنی دولتمردان و سرمایه دارن از قبل ثروت و سود و غارت داراییها و از قبل خون کارگران و زحمتکشان و فرهنگیان و کارکنان این جامعه هر روز چاق و چاق تر و مردم هر روز فقیر و گرسنه تر می شوند.

سیاستهای چون یارانه ها، کار مجانی تحت عنوان "کارورزی"، سیستم بهزیستی ها، کمیته امداد، صندوق های قرض الحسنه و غیره، نه تنها فلاکت را تخفیف نداده است، بلکه نشانه ی عجز رژیم در ارتقاء سطح معیشت کارگران و زحمتکشان است. همین اندازه کار کردن چرخ های تولید هم مستلزم تشدید فقر و فلاکت توده هاست. مستلزم کار بیشتر، مزد کم تر و استثمار و سودآوری لازم است.

توهماتی که بورژوازی بر مبارزات بخش وسیعی از توده های کارگر و زحمتکش بخصوص در بخش های مهم تولیدی که کارگران از توان مبارزاتی بیشتری برخوردارند، تحمیل کرده است، افزایش سالانه ناچیزی به دستمزدها که عملی شدن آن هم به کارفرماها و صاحبان کمپانی ها واگذار شده است، وخامت بحران اقتصادی را تخفیف نمی دهد و چیزی جز ایجاد شکاف در صفوف طبقه کارگر نیست.

اینک در شرایطی که فلاکت توده ها تشدید میشود و عوامفریبی های رژیم رنگ میبازد، شعارهای اقتصادی و سیاسی با هشجاری طبقاتی بیشتر در سطح جامعه طرح شده و زمینه های مادی بسیج توده ای و دوره جدیدی از اعتراضات و اعتصابات وسیع شروع شده و ادامه خواهد یافت.

تشدید بحران اقتصادی و فلاکت، می تواند بخودی خود زمینه ی گسترش و

اوجگیری اعتراضات بزرگ اجتماعی را فراهم کند. اما برای بسیج توده های وسیع کارگر و زحمتکش برای مبارزه بر سر تصرف قدرت سیاسی در گرو ایجاد شرایط ذهنی لازم و دخالت موثر کمونیست ها در مبارزاتی است که کارگران و زحمتکشان ناگزیر ولو خودبخودی و پراکنده در مقابله با فقر و گرسنگی و فلاکت تعقیب می کنند.

خیزش دیمه ۹۶ نشان داد که جامعه به تداوم فقر و گرسنگی تن نمی دهد و به زندگی زیر فقر عادت نمی کند.

طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، امروز یک خواست سراسری و عمومی و همگانی دارد: "معیشت و رفاه و آزادی جامعه باید تامین شود" هیچ انسانی بخاطر معیشت نباید تن فروشی کند. نباید معنادار شود، نباید کودکانش کار کنند، نباید اعضای بدنش را بفروشد، نباید کولبری کند. نباید ذلت و خفت و خواری بکشد و تحقیر شود.

ابراز وجود بخش مهمی از طبقه کارگر در اعتصابات قدرتمند هفت تپه و فولاد اهواز، با خواست "نان، کار، آزادی و اداره شورایی"، نمایش قدرت طبقه کارگر آگاه برای دفاع از معیشت و آزادی کل محرومان جامعه، دفاع از زنان اسیر تبعیض جنسی، زنان سرپرست خانواده تا تن فروشان و معتادان و گرسنگان... است. نمایش روحیه مبارزه جویی، شعارهای رادیکال، طرح تشکیل شوراهای کارگری، تجربه ی هیات های نمایندگان منتخب مجامع عمومی، یکپارچگی، اتحاد، رفاقت و همبستگی و همدلی صفوف نمایندگان و رهبران کارگران و همبستگی توده های زحمتکش شهرها است. این دستاورد و سنتی بغایت با ارزش و سکویی برای جهش طبقه کارگر و زحمتکشان بسوی پیروزیهای پی در پی است.

اداره شورایی کارخانه و جامعه، مستلزم خاتمه دادن قطعی به سیستم دولتی و کارفرمایی کنترل کارخانه توسط شوراهای اسلامی و خانه کارگر و انجمن های صنفی گوش به فرمان کارفرماها است. مستلزم ایجاد تعاونی های کارگری و رفع موانع آن است. تشکیل صندوق های کارگری چه بهنگام اعتصاب و چه همیاری کارگری مستمر است. مستلزم مجامع عمومی منظم کارگری بعنوان

انقلابات ایستاده و ماهیت ارتجاعی آنها را با حوصله افشا کرده ایم.

نکته قابل ذکر در علت پنجر شدن تمام این "انقلابات"، شیخ آلترناتیو شوراهای کارگری در ایران است؛ شیخی بر فراز جامعه که عزم کرده سناریوهای بورژوازی را همراه جمهوری اسلامی از جامعه جارو کند. این مهم، مایه مباحثات همه ماست. تفاوت بنیادی حزب ما با جبهه مشترک تمام احزاب و گروههای اپوزیسیون از راست تا چپ بر سر مسئله "انقلاب و سرنوشتی" همینجاست!

اخبار اتحاد و همدلی جمعی و دخالت توده ی کارگران در تصمیم گیریها و اتکای رهبران به اتحاد و همبستگی توده ی کارگران است. مجامع عمومی منظم کارگری مرجع انتخاب هیاتهای نمایندگی کارگری و مکانیسم عزل و نصب نمایندگان است. متکی کردن سندیکاها، انجمن ها و دیگر تشکل های مستقل توده ای کارگران به سنت شوراهای کارگری است. شوراهای کارگری ابزار اعمال قدرت در مبارزه اقتصادی امروز و کسب قدرت سیاسی آتی است.

همچنین، در مبارزه برای معیشت و رفاه و آزادی، محلات نقش مهمی دارند. کارگران بعلاوه ی کار در کارخانه ها و مراکز تولید و خدمات و غیره، در محلات کارگری و زحمت کش نشین زندگی می کنند. فعالیت محله ای کارگران جزئی از مبارزه طبقه کارگر در محل زیست است. کار محله ای به معنای تامین رفاهیات محله از مسکن، آب و برق و بهداشت، آموزش، مهد کودک ها، صندوق های همیاری و کمک به بینویان و بیماران و بیکاران، تعاونی های محله برای خرید و فروش ارزان مایحتاج ضروری... همه و همه کار محله ای در محل زیست کارگران و در محلات کارگری محسوب می شوند. و همه این ها به معنی کنترل محلات کارگری و زحمتکشان با دخالت و مبارزه و ابتکارات توده ای است. کم توجهی به محلات زیست کارگران و زحمتکشان و مبارزه و سازمان دادن ابتکارات توده ای برای دخالت جمعی و مستقل مردم، به معنای ایستادن طبقه کارگر روی یک پا است.

مراکز کار و محلات زندگی کارگران و زحمتکشان دو رکن اساسی مبارزه طبقاتی علیه فقر و نداری و گرسنگی و زدودن شائبه های یاس و استیصال است. بعلاوه کار محله ای و مبارزه در محل های زیست، موجب ایجاد فضایی انسانی، انساندوستانه، حاکی از همبستگی طبقاتی کارگران و محرومان و فضایی آزاد برای نفس کشیدن به نفع آزادی و حرمت انسانی زن و مرد و کودک در محلات است. همچنین کار محله ای بموازات و همزمان با مبارزه در محل های کار برای معیشت، دستمزد مکفی و بیمه بیکاری، طبقه کارگر را به مثابه یک خانواده با

کارگر شاغل و بیکار و همسران و فرزندانشان و در همبستگی با محرومان جامعه و بعنوان پیشروان و صاحبان جامعه ابراز وجود و معرفی می کند. مساله معیشت، بیمه بیکاری، دستمزد متناسب با تورم و بالای خط فقر، سوبسیدهای مختلف، یارانه چند برابر امروز، طب ارزان، حمل و نقل ارزان و... همه این کارها جایز در کارخانه، محل کار و محلات کارگری و میان کارگران بیکار و فصلی و دستفروشان و تن فروشان و گرسنگان است.

جامعه ایران صف عظیمی از فعالین کمونیست و سوسیالیست کارگری و سیاسی و مدنی و انساندوستان و شرافتمندان را دارا است که می توانند لولای اتحاد و اجتماع توده های کارگر و زحمتکش در مبارزه برای تامین معیشت و رفاه جامعه شوند و امر متحد کردن و به حرکت در آوردن مردم، در کارخانه، مدرسه، دانشگاه، در محله، در پاتوق های کارگری و مردمی... را برعهده گیرند و آزادی، برابری را به افق توده های هر چه وسیع تری در جامعه تبدیل کنند!

طبقه کارگر، زحمتکشان و محرومان جامعه در مراکز کار و محلات زندگی می توانند دشمن را در محاصره خود قرار دهند و حلقه محاصره را روز بروز تنگ و تنگ تر کنند.

دولت در مقابل تامین معیشت جامعه، مسئول است. دولت موظف است معیشت همگان را تامین کند. اگر نمی تواند کنار برود. در جامعه ایران آن اندازه انسان کارگر و زحمتکش و روشنفکر آگاه و مبارز و سوسیالیست و انساندوست و مدیر و مدبر هست که بتواند جامعه اش را طوری سازمان دهد که هیچ کس محتاج خوراک و مسکن و درمان و نیازمندی های ضروری زندگی نشود.

تامین معیشت جامعه و تلاش برای زندگی بهتر، در ایران نه منطقه ای است، نه قومی، نه ملی. سراسری است. به وسعت جامعه چند ده میلیونی ایران است. تامین معیشت امری عمومی است و جواب سراسری دارد. همسنوشتی طبقاتی و همبستگی سراسری می خواهد. این یک عرصه بسیار حیاتی و مهم و انسان محور امروز جامعه ایران است.

حکمت پستی را منتشر و
پخش کنید

زنده باد جنبش مجامع عمومی

”امر به معروف“

ناباوران میگذارند!

”تذکرلسانی و فرار از منطقه“، سیاست پیدا کردن سوراخ موش و پرهیز از درگیری حتی لفظی با زنان آزاده ای است که از روز اول به قدرت رسیدن این جانوران به حجاب اسلامی و اجباری نه گفته اند. نیرویی که قوه قضائیه و ولی فقیه برای سرکوب و حاکم کردن فضای رعب و وحشت توسط وحشیگری بی انتها، به آن امید بسته اند. این اظهارات و دهها و دهها اظهار مشابه که هرروز بشکل باد از گلوی یکی از شرورترین عناصر سرکوب متصاعد میشود، فقط ”حال بد“ جمهوری اسلامی و ماشین سرکوب آنرا نشان نمیدهد، این بعلاوه روی دیگر، و مهمتری از واقعیت را هم نشان میدهد. اینکه جنبش حق زن، جنبش علیه آپارتاید جنسی، جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی تا کجا پیشروی کرده است. نشان میدهد شکست ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و مهمتر شکست در سرکوب و عقب راندن مردم، چه ابعادی پیدا کرده است. این واقعیت و مبنای هراس الله کرم و سیاست ”رفع تکلیف و فرار“ فالانژهای رژیم، است!

این حال و روز نیرویی است، که ظاهراً فقط نامش باید رعشه به اندام هر انسان آزادبخوهی بیندازد! نیرویی که امروز طبق ”مصلحت روز“ نظام، توسط علمای اسلامی آموزش جدیدی به آن داده میشود! برای ”پرهیز از درگیری“ با مردم، یعنی فرار از کتک خوردن توسط مردم، نباید منتظر نتیجه ”تذکرلسانی“ شود!

طبق دستورالعمل امروز، که مطابق نیازهای امروز نظام است، ”تذکرلسانی“، یعنی امر به معروف از این پس یواشکی، اجر خواهد شد. یعنی باید این ”امر“ را در هوا نشخوار کرد و سپس بسرعت نه تنها از محل که از منطقه پا به فرار گذاشت! میدانند که باید شانس بیاورند که در محل و منطقه در دسترس ”امرشوندگان“ قرار نگیرند، تا ”امرشوندگان“ شکر میل کردن ”یواشکی شاگردان الله کرم و حزب الله و انصارالله را با ”امر محکم و علنی و با صدای بلند“ خود توی گوشش شان نزنند!

آموزش میدهند که حزب الله و انصارالله و مامورین خدا برای انجام وظیفه و ”امر به معروف“، بهتر است حفاظت از ارزشهای اسلامی را به پلیس شهرنایی و راهنمایی و رانندگی بسپارند بلکه با جریمه و ابزار مناسب، چهره اسلامی جامعه را حفظ کنند. این واقعیت حال جمهوری اسلامی است که الله کرم آن را به خوبی تمام قد در مقابل چشم

حکومت شورایی

دوران معاصر بیش از هر زمان بی حقوقی واقعی مردم و ظاهری بودن دخالت آنها در امر حکومت در دموکراسی های لیبرالی و پارلمانی را به نمایش گذاشته است. جامعه ای که بخواهد دخالت توده وسیع مردم را در دولت و در تصویب و اجرای قوانین و سیاستها تضمین کند، نمیتواند بر پارلمان و سیستم دموکراسی نیابتی استوار باشد. اعمال حاکمیت در سطوح مختلف، از سطح محلی تا سراسری باید توسط شوراهای خود مردم انجام شود که همه هم به مثابه قانونگذار و هم مجری قانون عمل میکنند. عالیترین ارگان حکومتی کشور کنگره سراسری نمایندگان شوراهای مردم خواهد بود. هر فرد بالای ۱۶ سال عضو صاحب رای شورای محلی خود محسوب میشود و حق دارد خود را برای کلیه مقامات و پست های شورای محلی و یا نمایندگی در شوراهای بالاتر کاندید نماید.

(برنامه یک دنیای بهتر)

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سرمدبیر: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تلگرام حزب

[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

فیسبوک حزب

facebook.com/HekmatistX

رادیو نینا

radioneena.com

تلگرام رادیو نینا

[@Radionenna](https://t.me/Radionenna)

اینستا گرام رادیو نینا

instagram.com/radioneena/

تماس با حزب

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت آرشیو

آثار منصور حکمت

hekmat.public-archive.net

مردم در شوراهای مستقل و مردمی خود متکلم شوید!